

بسمه تعالی

نقش سیره و اندیشه پیامبر اعظم (ص) در شکل‌گیری تمدن و شهرنشینی بزرگ اسلامی

علی شکوهی

چکیده

در هر تمدنی بخش گسترده‌ای از مظاهر جغرافیایی و کالبدی در ارتباط با انسان تحول و تکامل یافته است. تنوع و چگونگی مناظر کالبدی شهری، در رابطه با عوامل گوناگونی چون سطح فرهنگ، بنیه اقتصادی، روش سیاسی حاکم بر جامعه و اصول قابل قبول جامعه و محیط زیست پدیدار می‌شود.

از میان عوامل مذکور، اصول اعتقادی و جهان بینی از توان و نفوذ بیشتری برخوردار است و به عنوان زیرساز و مادر دیگر نیروها در بسیاری از جاها اثر و مَهر خود را بر مناظر کالبدی شهرها می‌نهد که نه تنها چهره بخش پدیده‌هایی چون مساجد، بازارها، زیارتگاه‌ها، مکان‌های عمومی و... می‌شود، بلکه در چگونگی روابط و آداب اجتماعی، فرهنگ، شعر، نثر و موسیقی و... نیز مؤثر واقع می‌شود. بی‌تردید جهان بینی اسلامی و سیره و اندیشه پیامبر بزرگ این مکتب نیز، در ساختن و پرداختن مناظر و ساختار کالبدی تمدن اثر بسزایی داشته است، که در این مقاله به تحلیل آن پرداخته و آثار تمدن اسلامی قرن اول تا چهار هجری بررسی می‌شود.

مقدمه

• هجرت پیامبر اعظم اسلام (ص) از مکه به مدینه: آغاز تمدن و شهرنشینی بزرگ اسلامی

«مهاجرت» و «تمدن شهرنشینی» دو کلمه‌ای است که در تاریخ همواره با هم تکرار می‌شوند و «تمدن» یک پدیده‌ای است که همواره بلافاصله بعد از مهاجرت در یک قوم به وجود می‌آید. «هجرت» یک عامل سازنده برای تمدن، فرهنگ و اجتماع تازه است و بزرگترین عامل کوبنده کهنگی، انجماد و سنت‌های موهوم منعقد شده و بازکننده روح‌های بسته است. یک قانون کلی وجود دارد و آن اینکه: در تاریخ بشر هیچ تمدنی (از تمدن‌های مستقل درخشان مشخصی که تاریخ تمدن امروز آن را به نام یک تمدن می‌شناسد) نیست که متعاقب یک مهاجرت نباشد. ۲۷ یا به تعبیری ۲۹ نوع تمدن (به قول توین بی) در تاریخ بشری از ۵۰ هزار سال پیش تاکنون که اثری از تاریخ انسانی در نوعیت فعلی است شناخته شده و این ۲۹ نوع تمدن همه از اولین تمدن بدوی نیمه وحشی‌ها که وارد

تمدن می شوند تا آخرین تمدن امروزی که در تاریخ، تکوین و شکل گرفته همه بدون استثنا بعد از یک مهاجرت بوده اند.

تمدن اسلام نیز چون از این قاعده مستثنی نبوده با «هجرت» آغاز می شود: مهاجرت پیامبر اعظم اسلام (ص) از مکه به مدینه و این مهاجرت به لحاظ اهمیت به عنوان مبدأ تاریخ تمدن اسلام برگزیده می شود. در هر تمدنی بخش گسترده ای از مظاهر جغرافیایی و کالبدی در ارتباط با انسان تحول و تکامل یافته است. تنوع و چگونگی مناظر کالبدی شهری، در رابطه با عوامل گوناگونی چون سطح فرهنگ، بنیه اقتصادی، روش سیاسی حاکم بر جامعه و اصول قابل قبول جامعه و محیط زیست پدیدار می شود.

از میان عوامل مذکور، اصول اعتقادی و جهان بینی از توان و نفوذ بیشتری برخوردار است و به عنوان زیرساز و مادر دیگر نیروها در بسیاری از جاها اثر و مُهر خود را بر مناظر جغرافیایی می نهد که نه تنها چهره بخش پدیده هایی چون مساجد، بازارها، زیارتگاه ها، مکان های عمومی و... می شود، بلکه در چگونگی روابط و آداب اجتماعی، فرهنگ، شعر، نثر و موسیقی و ... نیز مؤثر واقع می شود. هرچند که درجه نفوذ و کارایی جهان بینی در هر یک از پدیده های فوق متفاوت است اما اغلب با مطالعه برخی از آنها می توان به سیر فرایند تاریخی بقیه پی برد.

بی تردید جهان بینی اسلامی و سیره و اندیشه پیامبر بزرگ این مکتب نیز، در ساختن و پرداختن مناظر و ساختار کالبدی تمدن اثر بسزایی داشته است، که در این مقاله به تحلیل آن پرداخته می شود.

• جهان بینی اسلامی، پیامبر اعظم (ص) و مظاهر کالبدی شهر

بین اصول اعتقادی - مذهبی و گاه فلسفه سیاسی با مناظر و پدیده های جغرافیایی پیوند آشکاری وجود دارد. فی المثل در جوامع کاپیتالیستی که اصالت با فرد و در جوامع سوسیالیستی که اصالت از آن جامعه است، مناظر و پدیده های انسان ساخت به گونه ای رنگ فلسفه حاکم را می نمایند و به همین نحو مناظر غالب جغرافیایی جوامع لائیک، ثنویت پرستان و نیز جوامع الهی برگرفته از بینش اعتقادیشان است. خمیرمایه جهان بینی اسلامی بر نفی همه اله ها و قبول الله به عنوان تنها خدای بزرگ نهاده شده است.

لذا بین مفهوم شهر و جهان بینی اسلامی از ابتدای امر روابط نزدیکی وجود داشته است و در شهر است که جهان بینی اسلامی به دست پیامبر بزرگ اسلام (ص) اولین دولت خود را تشکیل می دهد. شهر دوران اسلامی قبل از هر چیز یک قلعه ایمن است و از نظر سیاسی و قانون تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی - اقتصادی حکومت های مستقر در آن شهر اولویت دارد. (حیبی: ۴۱)

• مفهوم حکومت در سیره و اندیشه نبوی و نقش آن در عملکرد مسجد

بارزترین تجسم خارجی بینش اسلامی در «مسجد» تجلی می کند. مسجد به عنوان اولین هدیه جغرافیایی دین اسلام با ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه ظاهر شد. مسجد با ویژگی های خاص خود در تمام طول تاریخ اسلام یکی از پدیده های آشنای جغرافیایی است. مسجد براساس سیره نبوی به عنوان یک کانون چند نقشی: مرکز عبادت و سیاست، جایگاه آموزش دینی، مقر قضا و قضاوت، جایگاه آموزش و سوادآموزی، مرکز ارتباط جمعی، کانون تعاون اجتماعی، پایگاه جهاد و نهضت، کانونی پویا و در ارتباط با همه اقشار اجتماع به شمار می آمد. چنان که گویی از حیات و روحی برخوردار و به منزله قلب شهر و اجتماع، کانون مراجعه و جاذب عموم بود. مهمترین مسجد شهرهای بزرگ، مستقر در مرکز شهر را، مسجد جامع می نامیدند.

دگرگونی و تغییر شکل و هیأت مسجد رابطه ای بسیار نزدیک با دگرگونی مفهوم دولت اسلامی، منطقه ای و محلی شدن آن دارد. به دیگر سخن، تجسم خارجی بینش اعتقادی-سیاسی اسلامی، در شهرهای اسلامی در نقشه کلی شهر در مقر مسجد و مقر ارگ به گونه ای بارز خود را می نمایاند.

در طول چهار قرن اولیه اسلامی مسجد سه دوره دگرگونی در ساخت را داشته است:

(۱) دوره کوتاه صدر اسلام که مسجد ساده و بی پیرایه بود؛ نمونه آن مسجدالنبی در مدینه است. (۲) دوران بنی امیه که مسجد در ارتباط کامل با قدرت دولت اسلامی بود. بین مسجد و دارالاماره فاصل های اندک وجود داشت و در بسیاری از موارد از طریق ارتباطی سرپوشیده به هم مرتبط بودند. (۳) دوران خلافت عباسیان که دارالخلافه از مسجد جامع فاصله گرفت.

بدین ترتیب ملاحظه می گردد که در آغاز حکومت اسلامی، مسجد پایگاه اداری و حکومتی نیز بود و سپس دارالاماره به خارج از مسجد ره یافت و مرکز شهر، همسایگی و حوالی مسجد جامع را به عنوان مقر خود برگزید و سپس به طور کامل رابطه خود را با مسجد قطع کرد تا جایی که بعدها قصر و کاخ خلفا به این منظور که سلطه و جبروت سلاطین را به رخ بیننده بکشاند از همه امکانات «سمبولیزم» معماری که در اختیار داشت بهره گرفت.

• شهرنشینی و شهرگرایی بعد از اسلام

در آغاز تمدن اسلامی، مسلمانان تحت تأثیر اندیشه والای پیامبر اعظم (ص)، به هنگام احداث شهرهای جدید و یا توسعه شهرهای موجود عامل محیطی و اکولوژیکی را لحاظ نموده و یا موقعیت جغرافیایی شهر را از نظر سیاسی، حائز اهمیت خاصی احساس نموده اند.

در تاریخ تمدن ویل دورانت آمده است که اصلاً واژه «عرب» به معنی خشک و بی حاصل است. درون مرزهای عربستان آن روزگار صحرایی سوزان و شن های روان بود؛ اما پیرامون چشمه های آب، نقطه های بارور یا واحه هایی بود که نخل در آنها می روید. برخی بخش ها، مخصوصاً بخش شمالی، در پاییز و زمستان و بهار سرسبز بود چرا که «هلال حاصلخیز» از فلسطین تا خلیج فارس در شمال عربستان گسترده بود. در راستای کرانه دریای سرخ نواری وجود داشت که برای کشاورزی مساعد بود.

در به وجود آمدن شهر مقدس مکه عامل اکولوژیکی کمتر دخیل بوده است چرا که نوشته اند درّه ای که مکه در آن به وجود آمد لم یزرع بود اما در مقایسه با آن یرب که در غرب فلات مرکزی عربستان قرار داشت مانند بهشت عدن بوده که توسط پیامبر خدا (ص) برای پایه گذاری تمدن اسلامی، مکان یابی شده است.

بر همین اساس در انتخاب سایر پایتخت های تمدن اسلامی نیز به اقلیم و اکولوژی توجه شده است؛ شهر دمشق هنگام فتح عرب تاریخی کهن داشت و تلاقی پنج نهر آنجا را به حق بهشت شرق کرده بود. (ویل دورانت: ۲۹۱)

ادریسی به سال ۵۱۸ ه.ق درباره صیدا می گوید: «شهری وسیع است که باغستان ها و درخت ها آن را به برگرفته اند.» یعقوبی به سال ۲۷۸ ه.ق درباره صور می گوید: «شهری زیباست و بر صخره ای که از دریا برآمده بنیاد شده است.» (همان: ۲۹۲)

در بغداد پس از فتح اسلام چند دیر مسیحی بنیاد شد که غالباً متعلق به نسطوریان بود. به گفته مورخان، منصور عباسی، از راهبان این دیرها بدانست که هوای شهر به هنگام تابستان معتدل و از مگس که در بصره و کوفه فراوان بود خالی است. نوشته اند شهر حلب که در سوریه کنونی واقع است شهری ثروتمند بود؛ چون دو راه کاروانرو در آنجا به هم می رسیدند.

• تولد مفهوم جدیدی از شهر در ایران، در سایه جهان بینی اسلامی

در سایه چنین جهان بینی است که وقتی ذهن ایرانی با محیط جهان بینی اسلامی و سیره پیامبر بزرگ آن سازگار شد، آزادی درون خود را بازجست. آنگاه بر سر آنکه به خود پردازد و بر آنچه در سیر آفاق به دست آورده است، تأمل کند، از عرصه واقعیت عینی کناره گرفت. ذهن ایرانی که چند گاهی در دنیای عینی گم شده بود، به الهام فلسفه یونانی آغاز تعقل کرد و خود را داور حقیقت یافت. پس ذهن گرایی پدید آمد و با مستندات و تخیلات بیرونی درافتاد. بی گمان چنین دوره ای که در تاریخ فکری هر قومی رخ می دهد، دوره خردگرایی و شک گرایی و عرفان و ارتداد است و در طی آن ذهن انسانی به انگیزه درون جویی، از همه موازین خارجی حقیقت شناسی سرباز می زند. (اقبال لاهوری: ۴۵)

در عصر حکومت دودمان اموی، ایرانیان برای سازگار کردن خود با اوضاع جدید تلاش ورزیدند. اما با قدرت یافتن دودمان عباسی و رواج گرفتن فلسفه یونانی، نیروی عقلی فشرده ایران بار دیگر فوران کرد و در همه حوزه های اندیشه و کردار به طرزی شگفت به جلوه گری پرداخت که تبلور این اندیشه ها را در شهرسازی و معماری این دوران نیز می توان دید.

قرن چهارم هجری همانطور که دوره بلوغ علوم و اندیشه اسلامی است به همان نحو هم مهم ترین و بارآورترین عهد ادب فارسی و عصر ظهور گویندگان بزرگ و فصیح در نواحی شرقی ایران است. اگرچه در نواحی دیگر ایران گویندگانی پدید آمده اند ولی عده آنان و اهمیتشان به حدی نیست که بتوانیم آنان را همپایه شاعران خراسان و ماوراءالنهر یعنی حوزه فرمانروایی سامانیان بدانیم.

بدون شک باید گفت آنچه که از اندیشه سخنوران و گویندگان این دوران در نثر و شعر متجلی شده به ساختار «شهر» نیز شکل داده است:

نثر فارسی قرن چهارم بسیار ساده و خالی از صنایع لفظی است. در نثر این دوره و تمام آثاری که بعد از آن به سبک این عهد نوشته شد اثری از لغات مشکل عربی و ذکر امثال عرب یا آوردن اشعار تازی به قصد آرایش کلام و نظایر آن مشهود نیست بلکه اثری است روان و طبیعی و مبتنی بر روش تکلم عموم و با جمله های کوتاه و روشن و خالی از ابهام و تعقید. (صفا: ۲۵)

از خصائص شعر فارسی قرن چهارم: فصاحت، سادگی، مضامین تازه و بکر، توجه به طبیعی بودن تشبیهات، توصیفات طبیعی و منطبق بر عالم خارج، سعی در جستن مطالب تازه و بدیع و متنوع، عدم استعمال اصطلاحات علمی در شعر، خالی بودن شعر از کلمات مشکل عربی و حتی کم بودن لغات عربی، حفظ بسیاری از لغات کهنه لهجه دری، کوتاه بودن اوزان و بحور شعر است. (همان: ۳۰)

بدین ترتیب می توان گفت که با قدرت گرفتن حکومت های ایرانی در شرق قلمرو تمدن اسلامی، نوعی «بازگشت» به ویژگی های فرهنگ و هنر ایرانی را داریم که موجب گردیده آثار تمدنی، ممزوجی هنر ایرانی و اسلامی باشد. از طرفی سادگی و فصاحت، نزدیکی به طبیعت و واقعیت حکایت از گرایش به مفاهیم اساسی اندیشه نبوی دارد.

• نگاهی به سرچشمه های مظاهر کالبدی تمدن اسلامی

بسیاری از مظاهر کالبدی تمدن اسلامی از فرهنگ و تمدن بلاد مفتوحه گرفته شده است؛ این موضوع بیانگر این واقعیت است که جهان بینی اسلامی درصدد تحول کالبد شهر از طریق دگرگونی محتوا بوده چنانکه مسلمانان شام طرح مناره را از برج زیگورات بابل و برج ناقوس کلیساهای مسیحی اقتباس کردند اما با تلاش برای عدم تشبیه به بیگانگان از انواع هنرها بهره گرفته است. مسلمانان ایران نیز شکل استوانه را از هند و مسلمانان آفریقا طرح مناره

چهارگوش را از چراغ دریایی معروف اسکندریه برگرفتند. شاید برج های چهارگوشی که معبد قدیم دمشق بر آن استوار شده بود در شکل مناره اسلامی اثر داشته است (ویل دورانت: ۳۴۸)

بنابراین معماری و شهرسازی اسلامی امر استفاده از رموز و نشانه های سمبولیک را در نحوه ساختمان و تزئینات بناها از ملل گوناگون برگرفته اما بر اساس جهان بینی والای اسلامی آنها را دگرگون ساخته است.

• شهرنشینی و شهرگرایی از قرن یک تا چهارم هجری

در این دوره شهرها و روستاهای پیرامون آنها در نظام های منطقه ای به یکدیگر پیوند خوردند و مجموعه همبسته ای به وجود آوردند و لذا «تقسیم کار» میان شهر روستا، به آن صورتی که در شهرهای قرون وسطایی اروپا دیده می شود، در منطقه های شهری شکل نگرفت.

یکی از مظاهر عدم وجود مالکیت خصوصی، نظام «وقف» در اسلام است. وقف عبارت است از اینکه عین ملکی و مالی از طرف مالک آن حبس گردد، به طریقی که هرگز فروخته و یا گرو گذارده نشود و سود و بهره آن در راه خدا موافق نظر واقف به مصارف خیریه برسد. (سعیدی رضوانی: ۱۳۵)

شهرنشینی در تمدن اسلام که به وسیله پیامبر بنیاد نهاده شد از قرن سوم گسترش یافت و تا سه قرن پس از آن به کمال رسید؛ مهمترین عاملی که موجب رشد شهرنشینی در این دوره شد گسترش سریع بازارهای داخلی و داد و ستد خارجی بود. در قرن چهارم هجری بزرگترین شهرهای ایران در مسیر راه های کاروانرو و طرق بازرگانی دریایی قرار داشتند.

شیوه تولیدی بر اساس کشاورزی و بازرگانی استوار بود؛ هرچند که اعراب مسلمان آشنایی چندانی با کشاورزی نداشتند، اما با پیشرفت فتوحات در عراق و شام و پس از آن در ایران و مصر زمین های کشاورزی بسیاری در اختیار آنها قرار گرفت. بسیاری از محصولات از سرزمینی به سرزمین دیگر می رفت و به دنبال آن فنون کشت نیز منتقل می شد که در این زمینه کتاب هایی نیز تألیف شده است از جمله کتاب «النبات» که توسط ابوحنیفه دینوری ریاضیدان، منجم و طبیعت شناس و مورخ قرن سوم نوشته شده است. بنا به نوشته برخی از محققان در قرن چهارم هجری تقریباً تمام ممالک اسلامی از نان تغذیه می کردند. کشت گندم در عراق بیشتر بوده است.

سازمان اجتماعی عربستان پیش از اسلام بر روابط ابتدایی خویشاوندی، طایفه ها و قبیله ها استوار بود. بدوی (عرب) زندگی شهرنشینی را تحقیر می کرد زیرا نتیجه آن اطاعت از مقررات، قانون و مقتضیات تجارت بود. اما نکته مهم آن است که در دوران اسلامی بر اساس اندیشه و سیره پیامبر این دیدگاه از میان رفت.

بر اساس جهان بینی برابری، اسلام میانه ای با قومیت نداشت و تأثیر اسلام در ایران باعث از میان رفتن طبقات اجتماعی موجود در دوره ساسانی شد.

سازمان های اجتماعی این دوره عبارت بودند از:

(۱) اُمت

امت اسلامی به معنای «اجتماع مؤمنان» سه جامعه ایلی، شهری و روستایی را ممزوج کرده و در نتیجه آن ساز و کار دو جانبه بین شهر و روستا برقرار می شود و به همین دلیل است که از «مناطق شهری» بعد از اسلام به جرأت می توان سخن گفت؛ در کتاب ها می بینیم که جمعیت شهر را با جمعیت منطقه اش بیان کرده اند و لذا وقتی که هنگام جنگ شهر سقوط می کند منطقه اش هم سقوط می کند و مقاومت به روستاها منتقل می شود.

بررسی روابط شهر و روستا در دوره اسلامی نشان می دهد که اولاً شهر و ده چند جانبه بوده و کنش های متعدد و دو سویه ای میان آنها وجود داشته است. ثانیاً، از نظر فرهنگی نیز شهر و ده فرهنگ مشترکی داشته اند، در عین حال که تفاوت هایی نیز میان فرهنگ شهری و روستایی وجود داشته است.

(۲) اصناف

یکی از ویژگی های اساسی شهرهای اسلامی تشکل مردمان شهرنشین در انجمن های صنفی، یعنی اصناف بوده است. این انجمن ها اصولاً صاحبان حرفه ها را در خود متشکل می کردند و دارای وظایف اجتماعی وسیعی بودند. منشأ اصناف اسلامی به قرن سوم هجری می رسد که دوره شکوفایی تمدن اسلامی و رونق تجارت و شهرنشینی بود. باید توجه داشت که اصناف با گیلد (guild) های غربی از نظر کارکرد و ... متفاوتند.

(۳) محلات

چگونگی سازمان حکومتی شهرها بستگی زیاد به موقعیت شهر در سازمان اداری و تقسیمات کشور داشت و مقام و موقعیت حاکم شهر و توابع آن را حکومت مرکزی تعیین می کرد.

تقسیمات کشوری به ترتیب اهمیت و وسعت عبارت بود از: ۱. ولایت (به معنی استان امروزی) ۲. کوره (به معنی شهرستان امروزی) ۳. رستاق (به معنی بخش امروزی) ۴. طسوج (به معنی دهستان امروزی) و ۵. قریه (به معنی روستای امروزی)

• عناصر مهم کالبدی شهر در دوره اسلامی (قرن یک تا چهارم هجری)

الف) مسجد

مسجد علاوه بر نقش مذهبی، نقش های اجتماعی - سیاسی را نیز دارا می باشد. در همین مسجد است که مسؤولیت های دولت و بحران های آن با امت در میان گذاشته می شود. گاه جدایی شهر از روستا با وجود مسجد جامع تحقق می یابد. اولین مسجدهایی که برای مجتمع ساختن مومنان برای انجام مراسم نماز جماعت و نماز جمعه به وجود آمده بود عبارت بود از محوطه های چهارگوشی که به سوی مکه معطوف بود و از اطراف نیز به وسیله ساقه های نی و یا گودالی محدود می گشت.

(ب) بازار

بدون تردید می توان دومین عامل اصلی در شکل گیری شهرهای دوره اسلامی را «بازار» دانست که در گرداگرد مسجد مقام یافته است. نخستین بازار در کنار مسجد جامع بازار فروشندگان اشیاء مذهبی بود و در کنار آن بازار کتابفروشان و صحافان و سپس بازار چرم سازان قرار داشت. پس از آن نوبت به بازار پارچه فروشان می رسید که «قیصریه» نامیده می شد و پراهمیت ترین مرکز بازرگانی بازار بود.

(ج) محله

محله های مسکونی گرداگرد بازارها جای داشت و در هر یک از محله های شهرهای نوین یاد مردمی می زیستند که از گروه قومی خاصی بودند. در واقع شهرهای اسلامی مجموعه ای بودند از اجتماعات کوچک محله ای با تمام خصوصیات جامعه شناختی یک Community که واحدی اجتماعی و جغرافیایی است.

سایر عناصر کالبدی شهر در دوره اسلامی (قرن یک تا چهار هجری):

الف) مراکز آموزش پزشکی و بیمارستان ها (ب) حمام ها (ج) رصدخانه ها (د) کتابخانه ها (ه) مزارات و (مدارس ز) سقاخانه ها (ح) کاروانسراها

• آثار معماری و شهرسازی دوره اسلامی قرن یکم تا چهارم هجری در ایران

تعداد بناهای به جامانده از نخستین قرون طلوع اسلام در ایران بسیار اندک است. در واقع نخستین بقایای قابل ذکر از ابنیه اسلامی ایران متعلق به اوایل سده پنجم هجری است. حدود بیست بنا که تاریخ آنها پیش از ۳۹۰ ه.ق است در نقاط پراکنده از سرزمین ایران شناسایی شده اند؛ گرچه بافت اصلی آنها در زیر تعمیرات مکرر بعدی مدفون گردیده است تقریباً عموم آنها بنای مسجد بوده اند که خود نمایانگر اولویت نوع معماری در آن دوران است. چنانکه پیداست در سده چهارم هجری مسجدسازی کاملاً متداول و متحول بوده، زیرا آنچه باقی مانده حاکی از رواج بسیاری گونه های مختلف از مسجد است. (فریه: ۳۸) از آن جمله به: مسجد نیشابور، مسجد هرات، مسجد

نابین، جامع دامغان، مسجد جمعه اردستان، جامع سیراف، جامع عتیق اصفهان، تاریکخانه دامغان، مسجد حاجی پیاده در بلخ و ... می توان اشاره کرد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱) آل یاسین، کاظم. تاریخ مالیات از آغاز تا امروز. محل نشر؟، مشعل، ۱۳۷۱.
- ۲) ارسلان، شکیب. تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا. ترجمه و مقدمه و پاورقی علی دوانی، تهران، حکمت، تاریخ نشر؟.
- ۳) البلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، بخش مربوط به ایران. چاپ دوم، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، تصحیح استاد علامه محمد فرزانه، تهران، سروش، ۱۳۶۴.
- ۴) بیات، دکتر عزیزالله. کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام. تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۹.
- ۵) حبیبی، دکتر سیدمحمسن. جزوه سیر تحول مجتمع های زیستی در ایران (شهرنشینی و شهرگرایی). دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی. تهران، ۱۳۶۴.
- ۶) خلاصه مقاله های سمینار جغرافیایی «جهان بینی، سیاست و محیط» (دانشگاه تربیت مدرس). تهران، سمت، ۱۳۷۱.
- ۷) خلیلیان، دکتر سیدخلیل. حقوق بین الملل اسلامی. ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۸) دوپاسکیه، روژه. سرگذشت اسلام و سرنوشت انسان. ترجمه و توضیح و تحشیه: علی اکبر کسمایی، تهران، انجام کتاب، ۱۳۶۳.
- ۹) دورانت، ویل. تاریخ تمدن (عصر ایمان) (ج ۴ بخش اول). مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری. چاپ سوم. تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۰) سعیدی رضوانی، دکتر عباس. بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی (مقدمه ای بر جغرافیای سرزمین های اسلامی). چاپ دوم، تهران، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۱۱) شکوهی زنجانی، محمّد. تاریخچه شام یا دیداری از سوریه. زنجان، ستاره، ۱۳۶۷.
- ۱۲) فرای، رن. تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (از سلسله تحقیقات گروه تاریخ ایران دانشگاه کمبریج)، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۳) صفا، ذبیح اله. مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی. چاپ چهارم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم،؟.

۱۴) فریه، ر.دبلیو. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزان، ۱۳۷۴.

۱۵) لوبون، دکتر گوستاو. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سیدهاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ؟.

۱۶) لوکاس، هنری. تاریخ تمدن، از کهن ترین روزگار تا سدهٔ ما. ج ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۶.

۱۷) محمد حسن، دکتر زگی. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۶۶.

۱۸) هوگ، ج و مارتن، هانری. سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی. چاپ سوم، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد